

از میان خبرها

### چاقو کشی وحشتناک در متروی مشهد

پنج شنبه شب گذشته مسافران متروی مشهد شاهد درگیری خونین بین دو جوان ۲۰ تا ۲۵ ساله بودند.

به گزارش روابط عمومی شرکت بهره برداری قطار شهری مشهد، سخنگوی این شرکت درخصوص حادثه، اظهار کرد: نزاع پنج شنبه گذشته داخل قطار شهری ادامه درگیری بود که در پارک ملت بین سه جوان مشهدی و سه جوان اهوازی رخ داد.

میثم زارع افزود: با این حال درگیری بین این جوانان ادامه می یابد و آنان که مسافر مترو نبودند، از بالای تردهای قطار شهری به داخل ایستگاه هجوم می آورند. در کمتر از یک دقیقه از ورود این افراد به داخل مترو، همزمان قطار وارد ایستگاه می شود و یکی از جوانان برای فرار از دست ضارب به داخل واگن بانوان می رود.

فرد ضارب نیز پشت سروی وارد واگن بانوان می شود و پس از وارد کردن چند ضربه چاقو به جوان، از صحنه می گریزد.

سخنگوی شرکت بهره برداری قطار شهری مشهد بیان کرد: نگهبان ایستگاه که در سکوی مقابل مشغول انجام وظیفه بوده با مشاهده موضوع دکمه توقف اضطراری را به منظور حفظ جان مسافران و رفع خطر می فشارد و به سرعت به سکوی مقابل اعزام می شود اما با توجه به این که این حادثه در کمتر از یک دقیقه به وقوع می پیوندد، جوان ضارب و همراهانش در ازحام جمعیت از صحنه می گریزند.

وی خاطر نشان کرد: اورژانس بلافاصله به محل اعزام و مصدوم به بیمارستان فارابی منتقل و بستری می شود.

زارع گفت: در عین حال واحد حقوقی و قضایی شرکت بهره برداری قطار شهری به همراه نیروی انتظامی پیگیر موضوع هستند و این مسئله را بررسی می کنند.

### دستگیری سارقان مسلح خودروی هایلوکس در کمتر از نیم ساعت

**توکلی** - سارقان مسلح خودروی هایلوکس در کرمان دستگیر شدند.

فرمانده انتظامی شهرستان کرمان گفت: بهروردی در تماس با مرکز فوریت های پلیس، سرعت خودروی خود را به صورت مسلحانه توسط دو نفر اعلام کرد. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ فداء افزود: بلافاصله موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت و ماموران کلانتری ۱۶ شهر کرمان با اجرای ایست و بازرسی در نقاط گرم خیز، سارقان مسلح را که قصد خروج از شهرستان کرمان داشتند در کمتر از نیم ساعت دستگیر کردند و خودرو را به مال باخته تحویل دادند.

این مسئول انتظامی با اشاره به کشف یک قبضه سلاح کمری از سارقان خاطر نشان کرد: با جویباری سارقان مسلح برای کشف سایر جرایم احتمالی توسط ماموران ادامه دارد.

### دیانا، شاخ معروف اینستاگرام خودکشی کرد

او به دام مردان پلید افتاده بود!

دیانا ۲۹ ساله که در ترکیه و فضای مجازی بسیار معروف بود، پنج شنبه شب گذشته در یکی از خیابان های ترکیه مورد تجاوز هشت مرد قرار گرفت. به گزارش رکتنا، این زن جوان هندی پس از تجاوز و رها شدن در یکی از خیابان های آنکارا پایتخت ترکیه با انتشار عکسی در اینستاگرام در حالی که خونی و زخمی در کنار سگش خوابیده بود گفت که توسط راننده تاکسی و چند مرد دیگر مورد تجاوز قرار گرفته و قصد خودکشی نیز دارد و چند ساعت پس از آخرین پست با طناب دار خودکشی کرد.

انتشار خبر تجاوز و مرگ دیانا در فضای مجازی باز خورد زیادی داشت چرا که برخی با خودکشی دیانا مخالف بودند و اظهار نا رضایتی کردند و عده ای دیگر بسیار خوشحال شدند چرا که او را زن بدنامی می دانستند.

اکنون پلیس با انتشار خبر تجاوز دیانا در حال پیگیری برای پیدا کردن راننده تاکسی و همدستانش است اما تاکنون خبر جدیدی از این پرونده به دست نیامده است.

# پنج «قاتل نامرئی» بر گلو ی ۳ زن

مرگ در دناک مادر و ۲ دخترش در مسافر خانه رقم خورد



گاز گرفتگی شده اند.

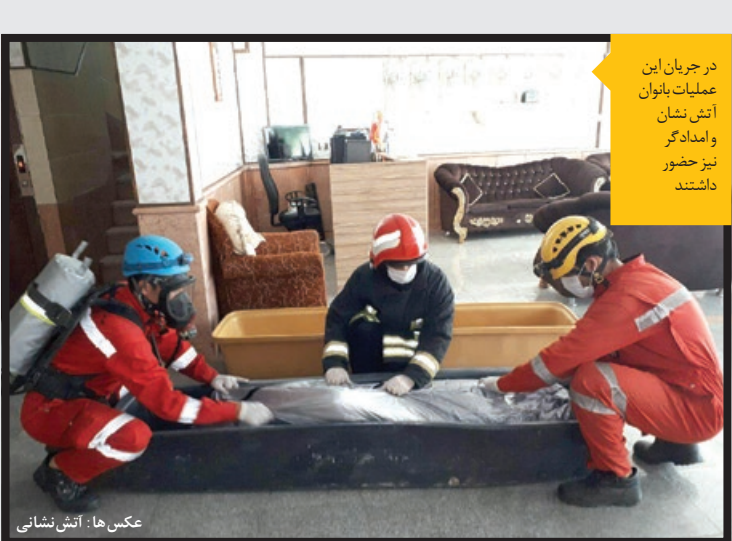
آتشپاد دوم مهدی رضایی افزود: مسافران این مجتمع اقامتی سه روز قبل از یکی از شهرهای جنوبی کشور به مشهد مسافرت کرده بودند که به طرز غم انگیزی جان باختند و حادثه تلخ دیگری در مشهد رقم خورد بنابراین متصدیان و مالکان این گونه مراکز که در این فصل با حضور مسافران زیادی مواجه می شوند باید به رعایت نکات ایمنی و توصیه های تخصصی کارشناسان آتش نشانی ملزم شوند و این توصیه ها را برای حفظ جان مردم جدی بگیرند. این گزارش حاکی است: در همین حال قاضی علی اکبر احمدی نژاد نیز با تاکید بر پلمب مسافر خانه مذکور به منظور انجام تحقیقات بیشتر و حفظ جان مسافران دیگر به خراسان گفت: تحقیقات در این باره آغاز شده است و کارشناسانی از مراکز تخصصی در حال بررسی علت گاز گرفتگی هستند تا با تجزیه و تحلیل فرضیه های احتمالی به علت قطعی و دقیق بروز این حادثه تلخ برسیم. وی اضافه کرد: روند قضایی پرونده با صدور دستورات ویژه ای برای بررسی همه جوانب این ماجرا، همچنان ادامه دارد.

مسمومیت ناشی از استنشاق گاز منواکسید کربن (قاتل نامرئی) جان باخته اند. به همین دلیل بررسی های کارشناسان آتش نشانی با استفاده از تجهیزات تخصصی ادامه یافت و در نهایت درجه دستگاه گاز سنج از ۸۰ پی. ام نیز فراتر رفت و بدین ترتیب وجود «قاتل نامرئی» در این مسافر خانه تایید شد. بنابراین گزارش، جسد دختر ۲۵ ساله در کنار حمام، مادر ۵۰ ساله در راهرو و جسد دختر ۳۲ ساله روی تخت اتاق افتاده بود و موجد موجود حکایت از آن داشت که بیش از ۳۰ ساعت از مرگ آن ها می گذرد.

با انتقال اجساد قربانیان قاتل نامرئی به پزشکی قانونی برای تعیین علت دقیق مرگ، روند تحقیقات قضایی نیز وارد مرحله جدیدی شد. به دستور قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، این مسافر خانه در حالی پلمب شد که فقط یک مسافر دیگر داشت. در همین حال، بررسی علت و چگونگی وقوع این حادثه مرگبار، توسط کارشناسان و متخصصان امور فنی در حالی ادامه دارد که داشتن یا نداشتن مجوزهای قانونی متصدی این مسافر خانه برای پذیرش مسافران هنوز مشخص نشده است. با این حال، مقام قضایی با چند فرضیه تخصصی برای حضور وحشتناک «قاتل نامرئی» در این مسافر خانه روبه روست چرا که برخی احتمالات از غیر استاندارد بودن لوله های دود کش انگر مکن، بسته بودن برخی روزه های خروج گاز یا تغییر ساختمانی در فضای اتاق حکایت دارد و همه آن ها باید مورد توجه و کاوی تخصصی قرار گیرد.

بنابر گزارش خراسان، معاون عملیات آتش نشانی مشهد با تایید خبر مرگ سه زن در یک مجتمع اقامتی در خیابان عنصری مشهد گفت: بررسی های مقدماتی کارشناسان آتش نشانی نشان می دهد که سه زن مذکور دچار

نجات از ایستگاه شماره ۲ مشهد عازم خیابان عنصری شدند و بی درنگ عملیات نجات را با گشودن قفل در اتاق آغاز کردند اما همزمان با باز شدن در اتاق مسافر خانه، صحنه هولناکی مقابل نیروهای امدادی قرار گرفت و آن ها در حالی با اجساد اعضای یک خانواده روبه رو شدند که ساعت های زیادی از مرگ مادر و دو دختر جوانش می گذشت و اجساد دچار فساد نعشی شده بود.



در جریان این عملیات باوان آتش نشانی و امدادگر نیز حضور داشتند

از او خانواده اش نبود. متصدی این مسافر خانه که با شنیدن صدای آب از اتاق مسافران نگران شده بود، بلافاصله با نیروهای امدادی و آتش نشانی تماس گرفت.

گزارش خراسان حاکی است: با به صدا درآمدن زنگ تلفن ۱۲۵، نیروهای امداد و

به محل و حفظ صحنه حادثه، قاضی ویژه قتل عمد نیز در جریان موضوع قرار گرفت و تحقیقات گسترده ای با دستور قاضی علی اکبر احمدی نژاد آغاز شد. آثار و علائم ظاهری اجساد و همچنین معاینات مقدماتی پزشک قانونی نشان می داد که مادر و دخترانش بر اثر

## کلاهبرداری ۶ میلیاردی در پوشش یونیفرم سر قرار می رفت

این زن بالباس فرم سر قرار می رفت

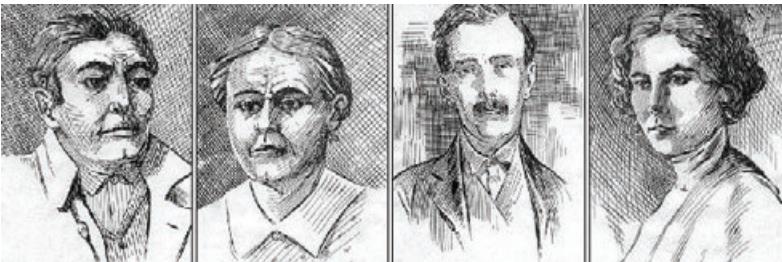


همچنین افرادی که معرفی کرده بود، واریز می کند و لی پس از گذشت مدتی از ارز خارجی می خودرویی که وعده داده بود، خبری نمی شود و به بهانه های مختلف طفره می رفته تا این که متوجه متواری شدن وی می شود. سرهنگ ثناری گفت: تحقیقات پلیسی ادامه یافت و در پایش های اطلاعاتی مشخص شد حساب هایی که متهم به مال باختگان معرفی می کرده، مربوط

داشتند، افزود: یکی از مال باختگان با متهم از طریق یکی از دوستانش آشنا شده و این فرد خود را از کارکنان هواپیمایی معرفی کرده و باختگان کلاهبرداری کرده بود. به گزارش گروه حوادث رکتنا، سرهنگ کارآگاه "مرتضی ثناری" در توضیح این خبر گفت: در اواسط خرداد ماه امسال پرونده ای با موضوع کلاهبرداری از شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۴ تهران به پایگاه چهارم پلیس آگاهی ارجاع شد که در آن ۱۸ تن از مال باختگان اظهار کردند یک زن که مدعی بود از کارکنان هواپیمایی است مبلغ شش میلیارد تومان از آنان به بهانه خرید ارز و سرمایه گذاری در ورود خودروهای خارجی کلاهبرداری کرده است.

وی با بیان این که کلیه مال باختگان اظهارات مشابهی در خصوص کلاهبرداری متهم

## این خانواده مهربان و قاتل!



می رسید و حتی گاهی در کلیسای پند و نصیحت به مردم می داد. این هادر ظاهر خانواده ای خوشبخت بودند اما زمانی که دکتر ویلیام هنری یور که به همسایه خود یعنی خانواده بندر شک کرد، برای همیشه ناپدید و اسرار این خانواده نیز از همین جافاش شد چرا که برادر یور که یک نظامی بود به سرعت برای یافتن برادر خود پرونده ای جدی تشکیل داد. ماجرا به سرعت به خانواده بندر ربط پیدا کرد اما آنان شایعه فرار کردند و با تغییر نام و ظاهر خود متواری شدند. هنگامی که یور که برخی از مردم شهر خانه و مزرعه آنان را جست و جو کردند، یک اتاق با خون لخته شده پیدا کردند و پس از حفاری باغ با هشت جسد روبه رو شدند. یکدیگر را جایی که متولد شده اند وجود ندارد. این خانواده شامل یک زن و شوهر به نام جان و الیور او یک پسر و دختر به نام های جونویر و کیت بودند. به نظر می رسید پدر خانواده پیش از ازدواج با الیورا، با فرد دیگری ازدواج کرده بود و حتی گفته می شد الیورا نیز همسر قبلی خود را کشته، بعدها مشخص شد کیت بسیار مذهبی به نظر

پلیس از سال ۱۸۰۰ تاکنون در پی کشف قاتل های سریالی است که تعداد زیادی را قربانی کردند. به گزارش رکتنا، در اواخر قرن نوزدهم، یک خانواده چهار نفری به جرم کشتن ده نفر به شکل سریالی خبر ساز شدند. این خانواده عجیب ظاهری بسیار ساده و مهربان داشتند و حتی به عنوان افرادی مهربان و دوست داشتنی شناخته می شدند. شواهد نشان می دهد این خانواده که خانواده بندر نامیده می شدند، مهاجران آلمانی بودند که یک مزرعه، فروشگاه عمومی و یک مسافر خانه را در مسیر کانزاس تأسیس کردند. اگرچه آن ها ادعای کردند که یک خانواده هستند اما هیچ پرونده ای مبنی بر اثبات روابط آن ها با یکدیگر را جایی که متولد شده اند وجود ندارد. این خانواده شامل یک زن و شوهر به نام جان و الیور او یک پسر و دختر به نام های جونویر و کیت بودند. به نظر می رسید پدر خانواده پیش از ازدواج با الیورا، با فرد دیگری ازدواج کرده بود و حتی گفته می شد الیورا نیز همسر قبلی خود را کشته، بعدها مشخص شد کیت بسیار مذهبی به نظر

در امتداد تاریکی

### کل کل عشقی!

همه چیز از یک کل کل رانندگی در جاده های شمال کشور شد، هیچ گاه فکر نمی کردم این ماجرای ساده و بی اهمیت به جایی برسد که روزی چنین در مانده شوم و تار و پود زندگی ام به هم بریزد چرا که...

زن ۳۵ ساله که برای شکایت از شوهر فراری اش وارد کلانتری شده بود در حالی که بیان می کرد آن همه عشق و علاقه خیلی زود به کینه و نفرتی عجیب در دلم تبدیل شد، در تشریح سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری آبکوه مشهد گفت: از دوران کودکی همواره به دنبال یک زندگی آرام و بدون دغدغه بودم اما هیچ وقت روی آسایش و آرامش را ندیدم چرا که پدر و مادرم تفاهم اخلاقی با یکدیگر نداشتند و منزل ما پر از آشوب و درگیری بود.

مادرم دوست داشت پدرم زیر دست او باشد و هر آن چه می گوید بدون چون و چرا اجرا کند. در واقع زندگی آن ها به گونه ای بود که پدر بیچاره ام هیچ وقت نمی توانست در برابر خواسته های مادرم کلمه «نه» را به کار ببرد. در غیر این صورت ولوله ای به پا می شد که سرانجامی نداشت و همه این ها به خاطر آن بود که مادرم از نظر وضعیت خانوادگی و مالی در شرایط بهتری از پدرم قرار داشت و همواره خود را رئیس خانه می پنداشت.

خلاصه ۱۷ ساله بودم که به اجبار مادرم با یکی از بستگانش ازدواج کردم البته همسرم جوان بدی نبود اما سرسپرده خانواده اش بود و حرف آن ها در اولویت زندگی اش قرار داشت.

با این حال در شرایطی که باردار بودم به ادامه تحصیل پرداختم و فعالیت های هنری را نیز ادامه دادم و در این میان مدام تحت تاثیر دخالت های مادرم قرار می گرفتم.

او همواره مرا سرزنش می کرد که چرا پولی برای خودت پس انداز نمی کنی تا به همسرت نیاز نداشته باشی؟ آن قدر این حرف ها را در گوشم زمزمه و مرا وسوسه کرد که بالاخره سرنا ساز گاری گذاشتم و بعد از یک سال جدال و مشاجره در نهایت حضانت پسر مرا به او سپردم و طلاق گرفتم چرا که دیگر نمی توانستم بی توجهی های همسر مرا تحمل کنم.

بعد از طلاق و با پول مهریه ام خانه ای اجاره کردم تا به طور مستقل زندگی کنم. نمی خواستم باز هم سرزنش های مادر مرا بشنوم که فریاد می زد تو هم مانند پدرت خیلی در زندگی بی عرضه هستی! خلاصه با انجام طراح و فعالیت های هنری دیگر مخارج زندگی ام را تامین می کردم تا این که حدود یک سال قبل به همراهم یکی از دوستانم از مسافرت شمال کشور بازمی گشتم که ماجرای، مسیر زندگی ام را تغییر داد.

آن روز در حال رانندگی در جاده های سرسبز شمال بودم که دیدم راننده جوان یک پراید با حرکات نمایشی نه تنها رفتارهای خطرناکی از خود بروز می دهد بلکه برای رانندگان دیگر نیز ایجاد مزاحمت می کند.

در همین حال شیشه خودرو را پایین کشیدم و با فشردن پدال گاز در نزدیکی پراید قرار گرفتم و به راننده آن گفتم: «همشهری! به خاطر همین رفتار هاست که می گویند مشهدی ها بد رانندگی می کنند! کمی آبروداری کن!» آن روز راننده جوان پراید خندید و این گونه تا مشهد با ما همراه شد. در طول مسیر با ابراز عشق و علاقه های «سینا» روبه رو شدم تا حدی که بعد از رسیدن به مقصد رابطه عاطفی عمیقی بین من و او شکل گرفت. «سینا» دو سال از من کوچک تر بود و برای ادامه تحصیل در مشهد زندگی می کرد. بالاخره من هم که عاشق او شده بودم در حاشی به عقدش درآمدم که احساس خوشحالی همه وجودم را فرا گرفته بود ولی همای سعادت خیلی زود از شانه هایم پرید چرا که هر بار وسایل بارزشی از منزل گم می شد.

آرام آرام به سینا مشکوک شده بودم و یک روز وقتی از خواب بیدار شدم نامه ای روی تختم قرار داشت که در آن نوشته بود: «عزیزم! ما به درد هم نمی خوریم!» تازه فهمیدم که همه پول ها و طلاهایم را سرقت کرده است و...

شایان ذکر است به دستور سرگرد دمحمدی (رئیس کلانتری آبکوه) این پرونده در دایره تجسس مورد رسیدگی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

**طباخی سفید**

**هیچ شعبه دیگری ندارد**

۳۷۲۵۹۹۳۶  
۰۹۳۳۱۸۰۰۹۱۵

**بهمراهان داغ سنگک**

**بین حر عاملی ۶۲ و ۶۴**

tabakhi\_sefidbareh